

خر و خودسر!

۱۳ ژوئیه ۲۰۰۹



خر و خودسر!

پس از شکست کودتای انتخابات، رسانه‌های فارسی زبان در داخل و خارج مرزها به تبلیغات مرگ و روضه و زوزه روی آورده‌اند، در شرایطی که «رادیوهمبونه‌ها» با توسل به دستاربند و اوباش، همزمان قانون شکنی را از طریق «فتوی» تشویق می‌کنند و با انتشار «نامه» پاسدار و بسیجی قصد ارعاب ما ملت را دارند.

پیش از ادامه مطلب یادآور شویم، «جدائی دین از سیاست» را با جدائی دین از «دولت» و «حکومت» نمی‌توان تحریف کرد. فعله فاشیسم که مردم را برای شرکت در مسابقات مارگیری دعوت می‌کردند، امروز خواهان جدائی دین از دولت و حکومت هم شده‌اند. البته این نخستین بار نیست که قلم به مرزهای جمکران با هدف تحریف اصل اساسی «جدائی دین از سیاست»،

سخن از جدائی دین از دولت و حکومت به میان می‌آورند، و مسلماً آخرین بار هم نخواهد بود. اینان چنان به تحریف خو گرفته‌اند که «بی‌بی‌گوزک‌های» کربلا را نیز تحریف می‌کنند:

«حسین شهید راه آزادی شد. او به خاطر حق رأی شهید شد و برای او و یاران او حق رأی به مثابه تمامیت اسلام بود. هر روز عاشورا [...] چقدر شرمسارم که هنوز زنده‌ام و هنوز زندگی می‌کنم.»

بله می‌بینیم که حسین هم رفته بود کربلا «حق رأی» به دست آورد! اگر سایت رادیو زمانه نبود، هیچکس به ما نمی‌گفت، حسین در راه «انتخابات» به شهادت رسید. بله کسی تا به حال به ما نگفته بود که حسین، زینب، طفلان مسلم و همراهان برای «دفاع از آراء خود» پرچم جنگ برافراشتند! این پروپاگاندا ابلهانه و مرگ‌پرستانه، «پيامی» است که سایت آخوندپور «زمانه» در رابطه با تعزیه‌خوانی ملیحه محمدی «مناسب انتشار» تشخیص داده. ملیحه محمدی یک سوگنامه قلمی کرده که «مرگ سهراب» را به سجاده و تسبیح و مرگ «حسینی» پیوند بزند. و طبیعی است که پیوند کذا شکمی از آب در آید.

به ادعای رسانه‌های مخالف‌نمای جمکران، «سهراب اعرابی» به همراه مادرش در تظاهرات ۲۵ خردادماه شرکت کرده و کشته شده. مشخص نیست چرا رسانه‌های کذا ناپدید شدن و سپس قتل او را پس از گذشت حدود چهار هفته منعکس کرده‌اند. بالاخره این سهراب اعرابی خانواده‌ای داشته، دوستانی داشته، چگونه است که ناپدید شدن او طی این مدت مسکوت مانده؟! گویا «سهراب اعرابی» که از تاریخ ۲۵ خردادماه ناپدید شده بود، با ملیحه محمدی نسبت خانوداگی هم داشته، اما ناپدید شدنش را به ملیحه‌جان دیر خبر می‌دهند! چرا؟ چون جنجال قتل مرموز «ندا» فروکش کرده و لازم است مراسم سوگواری به صورت قطره‌ای تداوم یابد. مسلماً افراد بسیاری در تظاهرات پس از کودتای انتخابات به قتل رسیده و بازداشت شده‌اند. ولی حکومت اسلامی و شاخک‌های‌اش در غرب فهرست مقتولین و بازداشت‌شدگان را اعلام نمی‌کنند. هدف از این خفقان ایجاد نگرانی برای خانواده‌ها، ارباب هر چه بیشتر مردم و خلاصه تداوم بحران و سرکوب است. البته نگران «خودی‌ها» نباشیم. یگانه هدف این سرکوب وحشیانه «جنبش مدنی» است. تبلیغات فعلاً فاشیسم برای شرکت در انتخابات دلیل داشت.

مسلماً کسانی همچون ملیحه محمدی که بر طبل شرکت در انتخابات می‌کوبیدند، امروز در کمال وقاحت خواهند گفت، ما که نمی‌دانستیم این

بساط به راه می‌افتد! حق هم دارند. گله داس پرست آینه تمام‌نمای حکومت توحش اسلامی است. گوسفندان این گله مسئول اعمال خود نیستند، نه به دلیل اینکه صغیر و مهجوراند، به این دلیل که همچون حکومت آب‌منگل‌ها «مزدور» و خودفروخته‌اند و همچون حکومت منفور جمکران از جسد تغذیه می‌کنند.

سایت حزب گله‌پرور «توده»، امروز به توجیه تبلیغات خود برای کودتای انتخابات پرداخته ادعا می‌کند، در حکومت اسلامی، فقط از سال ۱۳۸۴ کودتای نظامی شده. علامت تعجب هم نمی‌گذاریم! فرض محال که محال نیست. فرض کنیم ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ کودتایی در کار نبوده، ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ هم کودتایی در کار نبوده، حزب توده آنقدر وقاحت و دریدگی دارد که کودتای ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ را هم انکار کند. حزب «توطئه، وقاحت، دروغ و هوچی‌گری»، البته همصدا با حکومت جمکران، شرکت ۴۰ میلیون ایرانی در مراسم کودتا را نیز تأیید می‌کند، چرا که این مشروعیت هدیه اربابان آب‌منگل‌ها در لندن و واشنگتن به شمار می‌رود، بنابراین «تقدس» دارد. تنها وظیفه حزب توده و دیگر مخالف‌نمایان حکومت توحش ضمن ستایش از هدیه ارباب، واژگون‌نمایی است جهت ارائه تصویر دلپذیر از استعمار غرب.

تحلیل‌های گوساله‌پسند کنیزکان و غلامیچگان خاتمی همچون تفسیرهای مضحک داس‌الله و به ویژه گروه حاج فرخ نگهدار، متولی مسجد لندن در چارچوب همین واژگون‌نمایی قرار گرفته. اینان می‌کوشند، روسیه را حامی حکومت برخاسته از کودتای ارتش ناتو معرفی کنند! البته این تبلیغات از ابتدای کودتای ۲۲ بهمن آغاز شد. آنروزها ساواک شایع کرده بود «آخوندها کمونیست‌اند!» و پس از اشغال سفارت آمریکا توسط عملاً ساواک، آخوند خونی‌ها رهبر کمونیست‌های جمکران معرفی می‌شد. حال آنکه این بوزینه دستاربند از کودتاچی‌های وفادار جنتمن‌های نزولخور «سیتی» است، هر چند در کودتای ۱۸ تیر ناکام ماند. بگذریم و بازگردیم به مراسم سوگواری قطره‌ای، قتل ندا و قتل سهراب اعرابی.

همچنانکه گفتیم حکومت آب‌منگل‌ها برای ایجاد هراس و گسترش نگرانی در بین مردم فهرست قربانیان و بازداشت‌شدگان را منتشر نمی‌کند. فقط جنجال گروه‌های «خودی» برای ناپدید شدن فرضی «پدر»، «فرزند» و «همسر» و «برادر» و سجاده و آفتابه است که در رسانه‌ها به گوش می‌رسد! و بازار نامه‌نگاری‌های مهوع پیرامون پرستش «پدر»، «خدا» و «خرافات» شیعی مسلکان حسابی گرم و داغ شده. خلاصه

همه میرزابنویس‌های ساواک برای گسترش «مرگ‌پرستی» و مداحی «پدر» و ستایش پیوندهای «خانواده» شبانه‌روز تلاش می‌کنند. به یاد داریم ک آب‌منگل‌ها نیز اختلافات‌شان را «خانوادگی» خواندند. همچنین به یاد داریم که رهبرشان در وقویه ۲۹ خردادماه ذکر «قانون» گرفته بود. پس بهتر است به سخنان سردار «احمدی مقدم»، فرمانده نیروی انتظامی کشور نگاهی داشته باشیم تا با مفهوم واقعی «قانون» در حکومت آب‌منگل‌ها بهتر آشنا شویم.

سخنان سردار با کد: ۲۷۹۵۴، در سایت «فرارو»، مورخ ۱۴ تیرماه سالجاری تحت عنوان «لباس شخصی‌ها هیچ ارتباطی با سازمان و نهادی نداشتند» منتشر شده. ایشان می‌فرمایند، در جریانات اخیر هیچ گلوله‌ای از سوی نیروی انتظامی شلیک نشد! بین طرفداران دو گروه درگیری شد، و ما با هر دو گروه برخورد کردیم. عده‌ای که از هیچ جا دستور نمی‌گرفتند، و هیچ ارتباطی با نیروی انتظامی و بسیج نداشتند، در اغتشاش‌های اخیر از جمله در حمله به کوی دانشگاه دست داشتند. به گفته سردار، عده‌ای در کوی دانشگاه آشوب به راه انداخته بودند، و عده‌ای «خودسر» وارد کوی دانشگاه شده با آنان درگیر شدند، پلیس هم تعدادی را بازداشت کرد و امروز همه آنان آزاد شده‌اند!

حال اگر سخنان سردار را به صورت «منطقی» بررسی کنیم، چه خواهیم دید؟ خواهیم دید که در کشور قدرقدرت جمکران که ادعا می‌کند «قدرت منطقه‌ای» شده، گروهی خودسر که از هیچ نهاد و سازمانی دستور نمی‌گیرند، در اغتشاش و آشوب شرکت فعال دارند. پلیس هم آن‌ها را دستگیر نمی‌کند تا بداند اینان اصولاً کیستند! البته فکر نکنید سردار کذا دروغ می‌گوید، ایشان بخشی از واقعیت را بیان می‌کنند، و آن اینکه لباس شخصی‌ها به پلیس و بسیج وابسته نیستند. این یک را ما هم می‌دانیم. ولی زمانیکه سردار می‌گوید این گروه از هیچ نهاد و سازمانی دستور نمی‌گیرد و «خودسر» است، مزخرف می‌گوید. این گروه‌ها وابسته به ساواک‌اند و مستقیماً از سفارتخانه‌های غرب دستور می‌گیرند. ما پیش از ظهور خردجال حضور این گروه‌ها را در تهران شاهد بودیم. در نتیجه سردار احمدی مقدم می‌باید توضیح دهند چرا نیروی «انتظامی» گروه‌های «خودسر» را دستگیر نکرده و به تماشای عملیات «مهیج» اینان اکتفا نموده؟ همچنین سردار باید توضیح دهند چرا هر دو مقتول شناخته شده این ماجرا از ناحیه قلب مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند؟

در وبلاگ‌های پیشین گفتیم تصاویری که از تهران پس از کودتای ۲۲ خردادماه در رسانه‌های غرب پخش می‌شد به درگیری‌های خیابانی پائیز ۱۳۵۷ شباهت عجیبی داشت. و گفتیم که مردم عادی هرگز وارد چنین درگیری‌هایی نمی‌شوند. حمله به پادگان نظامی، تهاجم به کوی دانشگاه و خلاصه بگوئیم «تخریب» کار گروه‌های سازمان یافته‌ای است که برای تخریب و شورش «آموزش» دیده‌اند. استعمار از این گروه‌ها برای سرکوب مردم استفاده می‌کند، اینان مانند دیپلمات‌ها از «مصونیت قانونی» نیز برخوردارند. ولی جایگاه‌شان به مراتب از دیپلمات‌ها ممتازتر است، چرا که در هر حال پاسخگوی اعمال‌شان نیستند، درست مانند حکومت آب‌منگل‌ها.

فرمانده نیروی انتظامی در مورد اغتشاشات اخیر می‌گوید، احزاب «ساختار شکن» از سه یا چهار سال قبل برای ایجاد اغتشاش سازمان‌های هرمی تشکیل داده بودند، افرادی در خارج از کشور آموزش انقلاب مخملی دیده بودند، و پلیس مشخصات‌شان را در اختیار دارد. البته سردار احمدی مقدم دروغ نمی‌گویند، ولی باید توضیح دهند این افراد که اکثراً از انجمن‌های اسلامی به اصطلاح «دانشجویان» در لندن و پاریس به تهران «صادر» شده‌اند، چرا معرفی نمی‌شوند، چرا بازداشت نمی‌شوند و از همه مهم‌تر چرا نیروی انتظامی که ادعا می‌کند از ۴ سال پیش در جریان «توطئه» بوده نقش تماشایی ایفا کرده؟ بله، اینجاست که اظهارات سردار احمدی مقدم عجیب می‌نماید!

اگر پلیس از قبل در جریان بوده، چرا از شنبه ۲۳ خردادماه تا جمعه ۲۹ خردادماه دست گروه‌های کذا را برای تظاهرات غیرمجاز باز می‌گذارد؟ نظر ما این است که اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان خواهان موفقیت گروه‌های به اصطلاح «ساختار شکن» بودند، ولی به مصداق حکایت معروف، همچنانکه پیشتر هم گفتیم «هر سه» اشتباه کردند! چون سیاست بر «معنویات» و «بی‌بی‌گوزک» تکیه ندارد، پای بر «واقعیات» می‌فشارد. واقعیت این است که مردم ایران از دو جناح حکومت آب‌منگل‌ها به یکسان نفرت دارند، ولی حاضر نیستند تجربه تلخ کودتای ۲۲ بهمن را دوباره تکرار کنند.

به همین دلیل حکومت توحش نتوانست خودبراندازی نرم را طبق طرح‌هایی که از ۴ سال پیش فراهم آورده بود سازمان دهد. و امروز

به دلیل همین شکست، حکومت مفتضح جمکران در برابر جنبش مدنی ضربه‌پذیرتر شده. بی‌دلیل نیست که می‌کوشد با توسل به پروپاگاندا مرگ و تقدس چهره پلید اربابان خود را پنهان دارد. بی‌دلیل نیست که رادیو همبونه‌های «پراز چرک کثافت و مرض» به توپخانه سنگین متوسل شده و هر چه آخوند و پاسدار جنایتکار در جمکران دارند، برای قانون شکنی و ارباب از قفس بیرون کشیده‌اند. سازمان جنایتکار ناتو از یکسو قانون توحش اسلامی را به ما تحمیل کرده و از سوی دیگر برای شکستن همین قانون، مشتی ریش و نعلین خود فروخته را به «صدوریدن» فتوی فرا می‌خواند، تا به ما بگوید هیچ قانونی را، حتی قانون تحمیلی خود را در ایران نخواهد پذیرفت.

پس از قانون شکنی آشکار، بوق‌های ناتو برای ارباب ما، نامه‌های سرشار از حماقت سردار فیروزآبادی و پاسدار رضائی را نیز چاشنی «خبرهای» خود کرده‌اند. فیلد مارشال «خمیرگیر» یک «نامه» به امام زمان‌شان قلمی کرده‌اند که در آن بر «تکرار تاریخ» تأکید شده! البته نامه کذا دست‌پخت همان بیانیه‌نویس‌های مفلوک ساواک است که وقوفیه‌های جمعه را سر هم می‌کنند. پس از فیروزآبادی، سردار رضائی نامه نوشته‌اند تا به ما ملت بگویند، حکومت اسلامی در تقابل با «آزادی» نیست! البته «آزادی» مورد نظر پاسدار رضائی همواره شامل حال چاقوکش‌ها و چماقدارانی از قماش فیروزآبادی شده، و هیچ ارتباطی هم با آزادی‌های اجتماعی ندارد. بهتر است بگوئیم این نوع آزادی را کارخانه رجاله پروری همواره برای اوباش و دستاربندها فراهم آورده. و امروز هم سایت «بی‌بی‌سی» و «رادیوفردا» همین قماش «آزادی» را بخوبی منعکس می‌کنند: آزادی گسترش تقدس، و آزادی قانون شکنی!

به عنوان نمونه، بی‌بی‌سی، «حسینعلی‌نی‌وی» یا همان فقیه عالیقدر را از گاراژ بیرون کشید، بعد هم مزخرفات فیروزآبادی و رضائی را منتشر کرد، تا مردم را خوب بترساند. رادیوفردا هم یک «زنجانی‌نی‌وی» داشت که به میدان آورد، و ریش و پشم ایشان را روی سایت افشان کرد تا «حضرت» فتوی بدهند که «تقلب در انتخابات حرام است» و ... و حدیث و روایت بیاورند که مثلاً در انتخابات مکه طایفه قریش تقلب کرد، پس خداوند جبرئیل را فرستاد که «مؤمنان را بشارت دهد: یا ایهاالذین آمنوا، صندوق‌های رأی ما کو؟» و خلاصه قریش از ترس خشم خداوند صندوق‌های رأی را بازگرداند، و محمد رئیس جمهور شد.

همچنانکه در وبلاگ «گازنامه» گفتیم، خطوط لوله «نابوکو» و «ساوت ستریم» تغییراتی متحمل شده‌اند. امروز در آنکارا، «گازنامه» نابوکو بدون حضور شرکت «توتال» به امضاء رسید. البته این نابوکو با آن نابوکوی سابق تفاوت بسیار دارد. پشت سر این نابوکو چند ملیتی‌ها نیستند. بهتر بگوئیم چندملیتی‌ها با نقاب چندشرکت گمنام، و هر یک با سهام ۶۷،۱۶ درصد به میدان آمده‌اند. به گزارش نووستی، مورخ ۲۲ تیرماه سالجاری، کمپانی‌های نفتی اطریش، مجارستان، بلغارستان، رومانی، ترکیه و آلمان در این طرح شرکت دارند. یادآور شویم آلمان هنوز گازنامه کذا را امضا نکرده. ولی امضای توافقی‌نامه اخیر نشان می‌دهد که در ملاقات سران گروه ۸ در ایتالیا توافقی‌های مهمی حاصل شده که «سکوت» رسانه‌ها را می‌طلبد. به همین دلیل است که شیپورهای استعمار در اینمورد خفقان کامل اختیار کرده و با حمایت شورای مذهبی یهودیان آلمان، قتل یک زن مصری را به صورتی که می‌بینیم تبدیل به مهمترین خبر کشور آلمان کرده و آنرا در بوق و کرنا گذاشته‌اند. در واقع محافل جنگ‌پرست، تکه استخوانی برای نوکران‌شان در جمکران پرتاب کرده‌اند.

این استخوان الهی علاوه بر تغذیه وزارت امور خارجه جمکران، آیات عظام، پاسداران فارس‌نیوز، پاسدار شریعتمداری، احمدی‌نژاد و دیگر سگ‌های هارالله و پادوهای فاکس‌نیوز، پروفیسور حمید مولانا را نیز بی‌نصیب نگذارد. بله، این «استخوان الهی» را فرشتگان از آسمان برای گورکن‌ها آوردند تا در مراسم زوزه و روضه و پارسیدن‌شان وقفه‌ای ایجاد نشود. ولی همان فرشتگان گویا کور خواندند! اوضاع این حکومت مفلوک چنان خراب است که اکبر بهرمانی هم از موسوی جدا شد و در فارس‌نیوز، از زبان نوچه‌اش، سلیمی نمین قانون شکنی موسوی را مورد «سرزنش» قرار داد. طاعون سبز شکست خورد و چهره مخدوش آب‌منگل‌ها حتی با همان ۸۵ درصد تأیید «فرضی» و جادوئی هم آراسته نخواهد شد.

امروز جنبش مدنی در برابر کل حکومت قرار گرفته و باید برای تضمین تداوم خود از هر گونه درگیری با نیروهای انتظامی و پیوستن به گروه‌های گله‌پرور شیادان و تکرار شعارهای پوچ‌شان خودداری کند. «تکرار»، «تجمع» و «توهم» تهدید جنبش مدنی است. فراموش نکنیم که جنبش مدنی انسان‌محور است، نه مردم‌محور. قدرت ما در پراکندگی ما و گونه‌گونگی ما است. فراموش نکنیم که جنبش مدنی روی به زندگی دارد. و زندگی ما، مرگ این حکومت خواهد بود.